

زیر آسمان فیر وزم‌ای

رامین جوادی برنده جایزه «امی» شد

هر روز موسیقی ساختن موهبت بزرگی است

● گروه هنر: رامین جوادی، آهنگ‌ساز ایرانی‌تبار، بالاخره جایزه «امی» را دریافت کرد؛ جایزه‌ای که طرفداران آثار او، به‌ویژه تماشاگران پرتعداد سریال‌های تلویزیونی «بازی تاج‌وتخت» و «دنیای غرب» مدت‌ها انتظارش را می‌کشیدند. رامین جوادی تاکنون در پنج دوره در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۱۰، ۲۰۱۴، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ نامزد «امی» بوده و در سال ۲۰۰۹ نیز برای موسیقی متن فیلم سینمایی «مرد آهنی» نامزد «گرمی» شده بود و البته امسال نیز برای «بازی تاج‌وتخت» نامزد جایزه «گرمی» نیز شده است. جایزه «امی» یکی از جوایز معتبر آمریکایی در حوزه تولیدات تلویزیونی است و آن را معادل جایزه اسکار برای تلویزیون می‌دانند. رامین جوادی متولد ۱۹۷۴ در آلمان غربی است. پدرش یک پزشک ایرانی و مادرش آلمانی است. او فارغ‌التحصیل برکلی کالج کالیفرنیاست و کار حرفه‌ای در حوزه آهنگ‌سازی فیلم را با دستپاری هانس زیمِر و کلاوس دالبت شروع کرده است.



امسال جوادی برای موسیقی دو سریال «بازی تاج‌وتخت» و «دنیای غرب» نامزد دریافت جایزه «امی» بهترین آهنگ‌ساز شده بود و این جایزه برای قطعه‌ای با عنوان «آژدها و گرگ» در فصل هفتم سریال «بازی تاج‌وتخت» به او رسید. جوادی پس از اعلام نامش به‌عنوان برنده جایزه «امی» در تویییت نوشت: «به اینکه بخشی از پروژه «بازی تاج‌وتخت» و خانواده شبکه HBO (تهیه‌کننده سریال «بازی تاج‌وتخت») هستم، افتخار می‌کنم. این سریال یکی از مجموعه‌های تأثیرگذار و خلاق تلویزیونی است. همین واقعیت که من هر روزم را به ساختن موسیقی می‌گذرانم، برایم موهبت بزرگی است و من بابت اینکه از همکاران این برنامه بسیار عالی بودم، بی‌نهایت سپاسگزارم. جوادی فهرست بلندبالایی از آثار برطرفدار و تحسین‌شده سینمایی و تلویزیونی را در کارنامه دارد. از جمله آثار سینمایی که او آهنگ‌سازشان بوده است می‌توان به «مرد آهنی»، «نبرد تایتان‌ها»، «خانه امن»، «صخره پاسیفیک»، «غروب سرخ»، «دراکولای ناگفته»، «دیوار بزرگ»، «کوهستان میان ما» و «چین‌وشکن زمان» اشاره کرد و در میان آثار تلویزیونی او نیز می‌توان از سریال‌هایی مانند «فشار از زندان»، «بلید»، «سلطان فرار»، «جک رایان تام کلنسی» و همچنین «دنیای غرب» و «بازی تاج‌وتخت» نام برد. تم اصلی موسیقی متن سریال «بازی تاج‌وتخت» جزء جدایی‌ناپذیر و فراموش‌نشدنی این سریال است که اصلا نمی‌توان سریال را بدون آن تصور کرد و می‌توان آن را یکی از عوامل مهم و سرنوشت‌ساز در موفقیت خیره‌کننده این سریال تلویزیونی دانست که طرفدارانش تاکنون به مدت بیش از هفت سال و در حدود ۷۰ اپیزود آن را دنبال کرده‌اند. فصل هشتم این سریال قرار است در سال ۲۰۱۹ پخش شود. سریال علمی- تخیلی «دنیای غرب» نیز تاکنون در دو فصل و ۲۰ اپیزود پخش شده است و فصل سوم آن در سال ۲۰۲۰ پخش خواهد شد.

خاطرات سینمایی کانون پرورش فکری کودکان مرور می‌شود

● گروه هنر: ۲۱ شهریور در تقویم رسمی به‌عنوان روز ملی سینما نام‌گذاری شده است. به همین مناسبت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در ویژه‌برنامه‌ای آثاری از تولیدات قدیمی‌اش را برای تمامی علاقه‌مندان سینما، به‌ویژه سینمای کودک به نمایش می‌گذارد. اکران فیلم‌های این برنامه از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۹ امروز چهارشنبه (۲۱ شهریور) در سالن سینمای کانون و به صورت رایگان برای تمامی گروه‌های سنی است. در این برنامه آثاری از نورالدین زرین‌کلک، مسعود کیمیایی، امیر نادری، علی‌اکبر صادقی، ناصر تقوایی و نعمت حقیقی به نمایش درمی‌آید. همچنین بخش ویژه در دو برنامه به مروری بر فیلم‌های کوتاه عباس کیارستمی از ساعت ۱۲ تا ۱۲:۴۵ و مروری بر آثار فرشید مثقالی از ساعت ۱۷ تا ۱۸:۳۰ اختصاص دارد. در بخش جنبی نیز نمایشگاهی از پوسترهای قدیمی و کتاب فیلم‌های انتشارات کانون برپاست. همچنین در این بخش دو کارگاه ساخت انیمیشن برای کودکان و تمامی علاقه‌مندان این رشته از ساعت ۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰ صبح و ۱۵:۳۰ تا ۱۷:۳۰ بعدازظهر با حضور هدی اتنی‌عسری، انیماتور و مدرس دانشگاه و مهرانکیز اخوی، مربی مسئول مرکز شماره ۲۵ کانون تهران، برگزار می‌شود. ویژه‌برنامه نمایش فیلم‌های کانون چهارشنبه (۲۱ شهریور) از ساعت ۱۰ تا ۱۹ در سالن سینمای مجتمع کانون پرورش فکری، واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان خالد اسلامبولی، نبش کوچه چهارم برگزار می‌شود.

بهناز شیربانی: ۲۱ شهریورماه به نام روز ملی سینما نام‌گذاری شده است؛ روزی که به گفته عباس بهارلو مبنای نام‌گذاری‌اش خیلی مشخص نیست. «انتخاب این روز، به‌ویژه ۲۱ شهریور، هیچ مبنای درست و دقیقی ندارد؛ روزی است که ظاهراً به شکل «سمبلیک» به‌عنوان روز ملی سینما در ایران انتخاب شده است، زیرا در این روز به‌خصوص در سینمای ایران هیچ اتفاق خاصی رخ نداده که مبنایی برای روز ملی سینما باشد. توضیح بیشترش این است که ظاهراً قرار بوده روزی که میرزا ابراهیم‌خان عکاس‌باشی برای بار نخست پشت دوربین فیلم‌برداری قرار گرفت و مراسم «جشن عید گل» را فیلم‌برداری کرد؛ یعنی شنبه، ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ قمری برابر با ۲۷ اسد (مرداد) ۱۲۷۹ شمسی یا ۱۸ آگوست ۱۹۰۰ میلادی، به‌عنوان «روز ملی سینمای ایران» در نظر گرفته شود و مسئولانی که برای نام‌گذاری روزهای خاص تصمیم می‌گیرند، ظاهراً به دلیل خلوت‌بودن ۲۱ شهریور این روز را به‌عنوان روز ملی سینمای ما تعیین فرموده‌اند؛ به همین سادگی و سهولت، می‌توان عرض کرد که سینمای ما «همین‌جوری» صاحب روزی به‌عنوان روز ملی سینما شده است که نه مبنایش روز فیلم‌برداری جناب عکاس‌باشی از «جشن عید گل» است و نه هیچ چیز دیگر. تا آنجا که کتاب «روزشمار سینمای ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه» که من سال‌های پیش تألیف و منتشر کرده‌ام، نشان می‌دهد، در سال‌های آغازین آشنایی و ورود سینما به ایران در شهریورماه هیچ اتفاق خاصی رخ نداده است؛ نه تولید فیلم داشته‌ایم و نه نمایش فیلم و نه اصولاً هیچ چیز دیگری. بنابراین عده‌ای فرض گرفته‌اند که ۲۱ شهریور روز ملی سینمای ایران است، دستشان درد نکند.»
شاهرخ ولوکو، سینمایی‌نویس، درباره عمر سینمای ایران به «شرق» گفت: «موافقم

که در مورد نام‌گذاری روز ملی سینما در تقویم، انتخاب درستی صورت نگرفته است و در این روز اتفاق ویژه‌ای نیست که به نام روز ملی سینما ثبت شود. قطعاً مثل تمام دنیا باید اتفاقی را مبنای نام‌گذاری یک روز در نظر گرفت؛ مثل تولید نخستین فیلم یا فیلم‌برداری یک اثر. خیلی مهم نیست که فیلمی داستانی ساخته شده است یا مستند یا کوتاه، مثل تمام دنیا می‌توان تولید نخستین فیلم را مبنای روز ملی سینما در نظر گرفت و بر این اساس می‌توان گفت سینمای ایران حدوداً ۱۲۰ساله شده است». او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «اما از جهات دیگر اگر بحث کیفی در ساخت آثار سینمایی را مبنای رشد سینمای ایران در نظر بگیریم، باید به وجه دیگری از سینما پرداخت، چراکه کیفیت هنری آثار روی



قدمت سینمای ایران تأثیرگذار نیست. قطعاً سینمای ما به‌لحاظ کیفی پایین‌تر از حد استاندارد است. از جهات بسیاری آسیب دیده است. شاید به این دلیل است که از روز اول ورود سینما به ایران این هنر با مشکلات بسیاری مواجه بود و می‌توان گفت خشت اول بد بنا شده است. دولکو افزود: «ورود سینما به ایران با دربار همراه بود و مورد استفاده آنها قرار می‌گرفت و نه مردم عادی و قدم اول کج گذاشته شد. سینما رکودی ۱۲، ۱۳ساله را طی کرد و تحت تسلط واردکنندگان فیلم بود؛ به‌جای اینکه تولیدکننده داشته باشد و تا سال‌ها سینمای ایران تحت‌تأثیر فیلم‌های خارجی بود. همین روند ادامه پیدا کرد و در دهه ۲۰ نیز کیفیت در آثار سینمایی خیلی اولویت نداشت و تکنیک سینمایی، رشد و کیفیت

میراث سینمای ایران در عمر ۱۲۰ ساله‌اش

بصری و درام نیز در فیلم‌ها تعریف مشخصی نداشت. همین‌طور به مرور به دوران موج نوی سینما می‌رسیم و کیفیت فیلم‌ها کمی بهتر می‌شود و در شروع انقلاب شاهد فیلمفارسی‌هایی هستیم که به شکل ریاکارانه‌ای ساخته می‌شوند تا از ممیزی عبور کنند و باز تحول دیگری را در دهه ۷۰ تجربه می‌کنیم و در سال‌های اخیر هم می‌بینید که درگیر ساخت کمدی‌های مبتذل بی‌خاصیت شده‌ایم. بنابراین از این دست فرازونشیب‌ها در سینمای ما کم اتفاق نیفتاده و این میراث شوم برای ما باقی مانده است. وقتی از سینمای ایران حرف می‌زنیم نمی‌توانیم سال‌های مشخصی را برای افت کیفی آن در نظر بگیریم». به‌هرروی جدا از کیفیت آثار تولیدشده در سینمای ایران که به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر شرایط بحرانی‌تری را طی می‌کند و اقتصاد نحیف سینما سعی می‌کند شرایط بهتری برای ادامه حیاتش فراهم کند و مدت‌هاست که اکثریت مخاطبان سینما، فیلم‌های کمدی را گزینه اول حضورشان در سالن‌های سینما می‌دانند، برخی از فیلم‌سازان نیز در شرایط کنونی ساخت فیلم کمدی را گزینه قابل دسترس‌تری برای بهبود شرایط تولید فیلم و بازگشت سرمایه می‌دانند. در این میان برخی آثار تنها با نگاه به بازگشت سرمایه، از کیفیت صرف‌نظر کرده و تنها به بازگشت سرمایه فکر می‌کنند. نبود امنیت شغلی و عدم توجه کافی به معیشت اهالی سینما از دیگر نکاتی است که در محافل سینمایی به آن تأکید می‌شود و انتظار به‌بود در این بخش از سینما خواسته همیشگی اهالی سینماست. سینمای ایران به رسم هر سال ۲۱ شهریور را به نام روز ملی سینما جشن می‌گیرد و با تمام آسیب‌ها و مشکلاتی که پیرامون این هنر صنعت وجود دارد، سینمای ایران در عرصه‌های بین‌المللی همچنان می‌درخشد.

گفت‌وگو با کیومرث وجدانی، منتقد قدیمی و برجسته تاریخ سینمای ایران به مناسبت روز سینما

همچون عاشق

اهمیت دارد؟ در واقع مدت‌هاست مسئله «مخاطب منتقد» ذهنم را درگیر کرده و شعار «نقد برای مردم» هم دیگر راضی‌ام نمی‌کند و بیشتر به جمله «بیژن خرسند» که «نقد شرح حال خود ماست» مطبوف هستم و اتفاقاً جمله‌ای از شما خواندم در مجله «ستاره سینما» در شماره بهمن ۱۳۴۵ که درباره «فلینی» نوشته بودید: «فلینی فیلم را در درجه اول برای خود می‌سازد تا تماشاچی». آیا خود شما هم در نقدنویسی این‌گونه هستید؟
به‌رحال شما می‌نویسید که کسی یا کسانی آن را بخوانند. من همه‌جور مخاطبی داشتم؛م جوان و پیر، تحصیل‌کرده و دانشگاه‌نرفته؛ اما یک چیز بین آنها مشترک گرفته است: عشق به سینما. ولی غالب مخاطبانم را نسل جوان، تحصیل‌کرده و فرهنگی تشکیل می‌دهند که سینما را با دید «هنر» می‌نگرند. با توجه به سؤال شما درباره نوشته‌ام درباره سینمای «فلینی»، حتی اگر او در ابتدا -صرفاً- برای رضایت شخصی خودش فیلم‌هایش را ساخت، نمی‌توانم این را تصور کنم که فیلم‌هایش بدون قرارگرفتن در معرض دید همگان، فیلم‌های کاملی به نظر برسند. دقیقاً مثل نوشته‌های من؛ بالاخره باید کسانی آن را بخوانند.

● به جمله «خرسند» برگردیم؛ آیا نقدهایتان به نوعی شرح حال خود شماست؟
نوشته‌های من براساس عواطف و احساسات من شکل گرفته است و آنچه در طول زندگی‌ام تجربه کرده‌ام و مسائلی که دنیای ذهنی‌ام را تشکیل داده و باعث شکل‌گیری خود «من» شده است؛ اما نفوذشان غیرمستقیم است. هرگز نوشته‌هایم به طور مستقیم مبتنی بر زندگی شخصی‌ام نیست.
● رویکرد شما را نسبت به پرداخت اثر تا حدی تحت تأثیر «سوزان سروتاک» می‌بینم؛ چه در قالب بررسی سینمای کارگردان‌ها (که در ستاره سینما شکل می‌گرفت) و چه در مسیر موشکافی مضامین و چه در نوع پرداختن به فرم اثر.
«سوزان سروتاک» و نوشته‌هایش را بسیار قبول دارم و می‌پسندم؛ اما منبع اصلی الهام من، «سایت اند سوانده» -به‌ویژه دوران طلایی «پنلوپه هیوستن»- و منتقدان فرانسوی «گابیه‌دو سینما» در دوران موج نو بوده است.
● چرا در دوره نخست نقدنویسان، نقدی از شما حول سینمای ایران یافت نمی‌شود؟ فکری می‌کنم با یادداشت درباره سینمای پیش از انقلاب بیشتر ندارید.

من تا پیش از سال ۱۹۶۸ که در ایران بودم، فیلم‌های ایرانی زیادی دیدم؛ اما دلیلی نداشت درباره‌شان چیزی بنویسم. آن‌قدر فیلم‌ها ضعیف و زیر سطح استاندارد نبود که ترجیح دادم سکوت کنم. در واقع به کلی از سینمای کشورم ناامید شده بودم و قصد هم نداشتم چیزی منفی درباره‌اش بنویسم.

● اما در همان زمان هم فیلم‌ها قابل نقدی وجود داشت. فرخ غفاری «شب قوزی» را ساخته بود و «رهنا»، «سیاوش در تخت جمشید» را؛ می‌شد درباره سینمای -به نوعی- آوانگارد «نصبی‌نصبی» نوشت؛ «مرگ یک قصه» را تا آن زمان ساخته بود. مهم‌تر از اینها «گلستان» بود و «خشت و آینه»‌اش؛ اما ظاهراً هیچ اظهارنظری درباره‌اش نکردید.
باید بگویم که سینمای مطلوب من درست پس از ۱۹۶۸ در ایران شکل گرفت و من فرصت تماشا‌ی یک‌سری فیلم‌ها را نیافتم. اگرچه در آن زمان «فرخ غفاری» را می‌شناختم یا مثلاً «کاووسی» را اما یا فیلم‌ها آثار مطلوب من نبود یا هرگز فرصت تأمل درباره‌شان دست نداد. تصورش سخت است؛ اما من با گذشت زمان زیادی از مهاجرت، حتی نام «کیارستمی» یا «مخملبار» را نشنیده بودم؛ چون وقتی برای «سینما» نداشتم، سال‌ها بعد که نسخه‌های دی‌وی‌ی این آثار را دیدم، با سینمای تازه و رشدیافته ایران آشنا شدم. در زمان خودم تنها دو فیلم را خوب به خاطر دارم که یکی «خشت و آینه» و دیگری «خانه سیاه است» فروغ فرخزاد بود که اکنون فکر می‌کنم باید از آنها حمایت می‌کردم.
● میانه‌تان با «کاووسی» چطور بود؟
رابطه من با «کاووسی» فقط در سطح حرفه‌ای بود. یک آشنایی رسمی توأم با احترام که به رفاقت نمی‌رسید. دوست دارم تصور کنم که این احترام متقابل بوده است.
● تعداد نقدهای سلبی شما نسبت به نوشته‌های تحلیلی‌تان بسیار ناچیز است. خودتان نیز در مطلب بلند «چند کلمه درباره سینما»، نوعی از رویکرد سلبی نقد را رفتار «سادبستی» خوانده‌اید. ضمن اینکه با گفتن این جمله، خودم را به‌عنوان منتقد در چاه می‌اندازم؛ اما باید اعتراف کنم که شما منتقد بی‌عقدهای هستید.


چه شد که تصمیم گرفتید دوباره نوشتن را آغاز کنید و این‌بار با تمرکز بر سینمای ایران؟

پس از غیبت طولانی‌م، فکر می‌کردم همه باید فراموشم کرده باشند؛ اما اشتباه می‌کردم. شماها هنوز یاد من می‌کردید. پیش‌تر عده‌ای من را از طریق فیس‌بوک پیدا کردند و درخواست مطلب دادند. من هم احساس کردم اکنون دیگر وقت رسیده که به عشق زندگی‌ما بازگردم؛ بنابراین دوباره شروع به بررسی و نوشتن درباره فیلم‌ها کردم. همچنین متوجه شدم که نسل تازه‌ای در سینمای امروز ایران همراه با آثار درخورتوجهی متولد شده است. احساس کردم مسئولیت من این است که این نسل تازه‌نفس را جدی بگیرم و درباره‌شان بنویسم.

ادامه در صفحه ۱۳

یادداشت

مراقبت از گیان سینما



امیرحسین علم‌الهدی

● از سال ۱۲۷۹ که سینما به این سرزمین وارد شد تا به امروز با اسباب دست دلالان و کاسیان بوده است یا دست اربابان قدرت و شاید به‌جرت باید گفت فقط در دهه ۶۰ بود که سینما توانست کمی از دست این دو طیف خلاص شود و هرچند به آن دوران هم انتقادات جدی وارد است، اما نمی‌توان منکر درصد بالای فیلم‌های شاخص باشیم. در روز سینما نمی‌توانم از امام خمینی (ره) یادی نکنم که چطور توانست با تیزبینی خاص خود در قامت یک مرجع دینی در روز بازگشت به وطن بعد از ۱۵ سال با تمام اولویت‌های یک کشور انقلابی یک‌تنه از سینما در بهشت‌زها دفاع کند و آن را مظهر تمدن بنامد و کیست که همانند او توان و جرت دفاع از سینما را در میان سلیقه‌های متفاوت مراجع دینی در آن روزگاران داشته باشد!

اکنون در چهلمین سال انقلاب اسلامی با وجود پیشرفت‌های مضمونی در سینما هنوز باید نگران سینمای ایران باشیم و با تغییر شرایط سیاسی و اقتصادی همچنان شاهد ترس‌ها و بیم‌ها برای سینمای ایران باشیم و هرچند این بیم‌ها و ترس‌ها نیز در سایر فعالیت‌ها نمود دارد و خب حوزه فرهنگ و هنر طبق معمول از آسیب‌پذیرترین حوزه‌های فعالیت‌ها در کشورهای درحال‌توسعه هستند و سینما هم به دلیل گران‌بودن آن؛ چه برای تولیدکنندگان و چه مصرف‌کنندگان سرمدمار این آسیب خواهد بود!

استراتژی سینمای ایران در مقابله با این شرایط اقتصادی چیست؟ آیا گروهی درحال مطالعه این شرایط و تبیین این استراتژی هستند؟ و آیا قرار است این گروه در پشت درهای بسته این سیاست‌ها را اتخاذ کنند؛ همانند سایر سیاست‌های پشت درهای بسته. آیا با توجه به تغییر قریب‌الوقوع نماینده دولت به دلیل قانون بازنشستگی، متولیان اصناف سینمایی در حال تدوین این استراتژی هستند؟ یا اینکه همانند رویه‌های گذشته سینما را سپرده‌ایم به تقدیر؟ بگردیم و بهتر است به دنبال راهکارهایی برای کاهش هزینه‌های سینما به دلیل افزایش قیمت‌های شاخص‌های اقتصادی از یک طرف و از «دیگر سبک نیز به دنبال کاهش هزینه‌های سینمارفتن مردم باشیم.

متأسفانه شاخص منفی سینماگران ایران توجه به منافع شخصی در مقابل منافع جمعی سینماست و هنوز بعد از سال‌ها نتوانسته‌اند سینماگران و اصناف در حوزه کنترل قیمت تولید در سینما سیاست روشنی را اتخاذ کنند و خب اولین قدم در این شرایط یکپارچگی و گذشتن از منیت‌هاست تا «سینما» آسیب نبیند. دومین اقدام تعیین سرفصل‌های تأمین و توزیع منطقی بودجه‌های دولت برای پایین‌آوردن ضریب ریسک در تولید سینمای ایران است و پیداکردن سیاستی برای تولید کیفی و تضمین آن توسط دولت با توجه به بودجه‌های حداقلی شرایط بحران و تحریم. سومین اقدام بدون شک بازگذاشتن فضا برای تولید آثار متنوع در سینماست که بتوان از حداکثر سلایق مخاطب برای دیدن فیلم در سینما استفاده کرد و صرف تولید کمی فیلم کمدی در سال‌های گذشته و بالاخص سال جاری نشان‌دهنده آدرس اشتباه در سینمای ایران است. سیاست تولید مضامین متنوع توسط سینماگران، رمز ماندگاری سینما در زمانه بحران است!

توجه به اقتصاد طبقه متوسط توسط حوزه توزیع و نمایش به‌عنوان مهم‌ترین رکن سینمای ایران (تماشاگران) و تبیین کاهش هزینه‌های سینمارفتن و فیلم‌دیدن با توجه به شاخص‌های اقتصادی مردم می‌تواند باعث حفظ توجه طبقه متوسط در زمان بحران به سینما باشد و بی‌توجهی به کاهش ۳۰ تا ۵۰ درصدی اقتصاد خانوار به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی اگر مورد توجه سینماگران قرار نگیرد، ممکن است در میان‌مدت و بلندمدت باعث کاهش شدید مخاطبان شود و تجربه سال‌های ۹۱ و ۹۲ که باعث کاهش شدید مخاطبان شد به دلیل تحریم‌های اقتصادی شدید (در آن زمان فقط هشت میلیون نفر در ایران سینما رفتند) ممکن است در شش‌ماهه دوم و در سال آینده سینمای ایران را با یک سکنه قلیی مواجه کند، پس چاره‌ای نیست که بسته حمایتی دولت از سینما به همراه بسته حمایتی سینماگران از مردم سینماو تدوین شود تا با زمان‌های بحران شدید سینما زمین‌گیر نشود.

دلخوش به فروش شش‌ماهه اول امسال نباشیم که در حوزه فرهنگ توفان‌های سهمگین اثرات مخرب خود را در میان‌مدت و بلندمدت نشان خواهد داد، پس از الان که دیر هم شده است از گیان سینما با توجه به شرایط پیچیده اقتصادی کشور مراقبت کنیم ...